

نسخه خوانی (۲۵)

۲۴۵-۲۶۰

چکیده: نویسنده در نوشتار حاضر در قالب بیست و پنجمین سلسله انتشارات با عنوان نسخه خوانی، متن چند نسخه را مورد مذاقه قرار داده است. این متون بدین شرح اند:

یادداشت های از علم الهدی روی نسخه از کسراصنام الجاهلیه

نقدی از عبدالحسیب پسر سید احمد علوی عاملی بر شهید ثانی در باره نماز جمعه

یادداشت های جالب یک عالم نطنزی از قرن یازدهم روی نسخه ای خطبه البیان

سال ۱۲۹۷، سال گرانی و ترقی حبوبات علمای یزد!

کتابی متعلق به میرزا عبدالله افندی با مهر او

بندی از ملا محمد مقیما

تاریخ دقیق درگذشت سمهودی

کلیدواژه: نسخه خوانی، نسخه خطی، خوانش متون

Manuscripts (25)

Rasul Jafarian

Abstract: In the present article, the author has examined the text of several manuscripts in the twenty-fifth essay of the series entitled Manuscripts. These texts are as follows:

Notes from 'Ālam al-Hudā on the manuscript of "Kasr al-Aṣṇām al-Jāhiliyah"

A critique of Abdul Ḥaṣīb, son of Seyyed Ahmad Alavi Ameli, on Shahid Thāni's view about Friday prayers

Interesting notes of an 11th century scholar from Natanz on a copy of Khutbat al-Bayān

The year 1297, the year of high prices and increase in the price of grains.

The scholars of Yazd!

A book belonging to Mirza Abdullah Effendi with his autograph

A poem by Mullah Mohammad Moghima

The exact date of Samhoudi's death

Keywords: Reading manuscripts, manuscripts, reading texts

قراءات في المخطوطات (٢٥)

رسول جعفریان

الخلاصة: يقدم الكاتب في مقاله الحالي - الذي يمثل الحلقة الخامسة والعشرون من سلسلة مقالاته عن المخطوطات - نصوص عدد من النسخ مع ملاحظاته النقدية عليها. والنصوص هي:

١. ملاحظات علم الهدى على نسخة من كسر أصنام الجاهلية.
٢. نقد من عبد الحسين ابن السيد أحمد العلوي العاملي على الشهيد الثاني حول صلاة الجمعة.

٣. خواطر طريفة لأحد علماء نظن من القرن الحادي عشر على نسخة من خطبة البيان.

٤. سنة ١٢٩٧ سنة الغلاء وندرة المحبوب.

٥. علماء يزد!

٦. كتاب منسوب إلى الميرزا عبد الله أفندي مع ختمه.

٧. أحد البنود للملا محمد مقيما.

٨. التاريخ الدقيق لوفاة السمهودي.

المفردات الأساسية: مطالعة المخطوطات، المخطوطة، قراءة النصوص.

یادداشت‌های از علم الهدی روی نسخه‌ای از کسراصنام الجاهلیه

می‌دانیم که فیض کاشانی داماد ملاصدرا بود و فرزند وی محمد علم الهدی از همین مادر. وی در جای جای یادداشت‌های خود که شمارشان روی نسخ خطی بسیار فراوان است، به اینکه ملاصدرا جد اوست، افتخار و از آن یاد کرده است. نسخه‌ای از کسراصنام الجاهلیه [تألیف در شوال سال ۱۰۲۷ توسط ملاصدرا] در کتابخانه مجلس (ش ۱۵۶۲۱) هست که یادداشت‌هایی از علم الهدی روی آن آمده است. در موردی که خواسته نسخه را معرفی کند نوشته است:

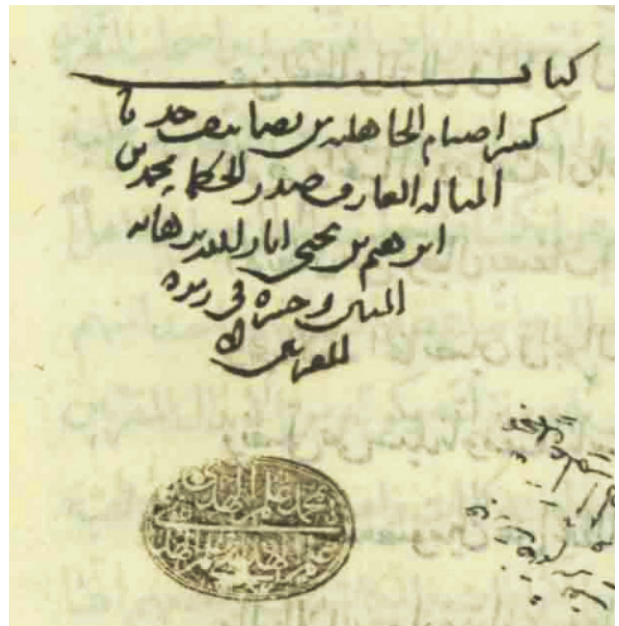
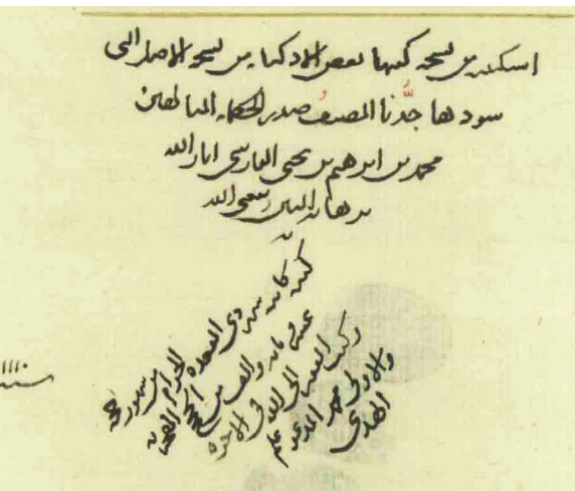
کتاب کسراصنام الجاهلیه من تصانیف جدنا المتأله العارف صدرالحکماء محمد بن ابراهیم بن یحیی انارالله برهانه المتین، و حشره فی زمرة المقربین.

در پایان این نسخه نیز یادداشتی دارد که می‌گوید این نسخه را از روی نسخه‌ای که از روی نسخه اصل مؤلف بوده، استکتاب کرده است. در این یادداشت ملاصدرا را با لقب «فارسی» یاد می‌کند:

استکتبته من نسخة کتبتها بعض الاذکیاء من نسخة الاصل التي سؤدها جدنا المصنف صدرالحکماء المتألهین محمد بن ابراهیم بن یحیی الفارسی. انارالله برهانه المتین و نفعنی الله.

و در ادامه افزوده است:

و کتبه کاتبه شهرذی القعدة الحرام من شهر سنة عشر و مائه و الف من الحجج الهجرية و کتب الفقیر الی الله فی الاخرة و الاولی محمد المدعو علم الهدی.



نقدی از عبدالحسیب فرزند سیداحمد علوی عاملی بر شهید ثانی درباره نماز جمعه

سیداحمد علوی عاملی (م ۱۰۵۴) داماد میرداماد و یکی از حلقات مهم امتداد نفوذ و قدرت خاندان کرکی (نوادگان دختری) در دوره صفوی است، کسی که فرزندان و نوادگانش تا آخر صفوی، بلکه بعد از آن نیز در سمت‌های اداری، مذهبی استوار ماندند. شرح حال او و بسیاری از این خاندان را در کتاب خاندان کرکی آورده‌ام. فرزندش عبدالحسیب در مقدمه قواعد السلاطین شرحی از پدرش و نفوذش در دولت صفوی دارد. کتاب مهم پدر، یعنی سیداحمد در نقد مسیحیت، مصقل صفا و رساله دیگری با نام لمعات ملکوتیه نام دارد که مورد توجه شماری از مسیحیان وقت هم قرار گرفته و نقد شده است. (بنگرید به: از دربند تا قطیف، ص ۴۸) اما فرزندش عبدالحسیب کتابی به عنوان رساله عملیه با گرایش استدلالی محدود با عنوان مسلک النجات دارد که نمی‌دانم منتشر شده است یا خیر و تصویر ناقصی از آن که از روی نسخه مجلس است، در اختیار بنده است. براساس روال آن زمان که تا این اواخر هم کمابیش مرسوم بوده، صفحات آغازین رساله‌های عملیه در اعتقادات است و سپس بخش فقه آن که مفصل است در ادامه می‌آید. وی که در دوره عباس اول (۱۰۳۸) و شاه صفی (م ۱۰۵۲) زندگی می‌کرده، در کنار آثار فقهی فارسی این دوره، این اثر را نوشته و به نظرم در سیر نگارش‌های فقه فارسی و رساله‌ای باید از آن یاد شود، اما نکته قابل توجه برای بنده نکته‌ای بود که در بخش نماز جمعه اشاره کرده بود. می‌دانیم که با نگارش رساله شهید ثانی (م ۹۶۵) در وجوب عینی نماز جمعه، بحث از نماز جمعه و حکم فقهی آن بالا گرفت. البته پیش از او کرکی (م ۹۴۰) رساله‌ای نوشته بود که در وجوب تخییری بود؛ حکمی که از قدیم هم رواج داشت، اما شهید ثانی با نگارش رساله خود و طرح وجوب عینی در آن، باب جدید و طولانی را در مجادلات مربوط به نماز جمعه باز کرد. این مسئله سبب شد تا بیش از یکصد و اندی رساله تا پایان عصر صفوی درباره نماز جمعه در موضوع، حرمت، وجوب تخییری و وجوب عینی نوشته شود. تا آن وقت، جریان فقهی اجتهادی به سبک مکتب حله اغلب روی وجوب تخییری و گاه حرمت بود، اما جریان حدیث‌گرا و اندکی از مجتهدین هم به وجوب عینی قائل بودند. نکته دیگر اینکه از نظر تاریخی به تدریج حکم به وجوب عینی بیشتر و بیشتر شد. گفتنی است اغلب رساله‌هایی که در نیمه دوم دوره صفوی نوشته شده، در وجوب عینی است. بحث از تأثیر فضای صفوی روی این مسئله هم مطرح است؛ به این دلیل که امامان جمعه مورد حمایت حکومت و در شهرهای بزرگ اغلب منصوب از طرف آنها بودند و این امر تمایل به وجوب را بیشتر می‌کرد. در این زمینه بعدها در دوره قاجار، صاحب جواهر هم طعنه‌ای به بحث وجوب عینی و تأثیر فضای ایران روی آن دارد و اشاره‌ای به اینکه سبب می‌شود تا برخی از روحانیون متعلق به بلاد عجم بیش از دیگران از وجوب عینی سخن می‌گویند و این از روی حب ریاست است. (جواهر: ۱۳۸/۶) صاحب جواهر هم منتقد شهید ثانی است، اما در این باره نکته‌ای که در رساله مسلک النجات آمده هم جالب است. سیداحمد علوی در مسیر اجتهاد فقهی روی همان وجوب تخییری پیش رفته است. در آغاز بحث

ایشان نمودن بجهت خلعت و زدن یکی از دو دست را بر دیگری و
 زدن بر دیوار و کفتن تسبیح و خواندن قرآن بجهت اجابت انکس
 بغیر از امر ضروری مکرر هست **مقدم** خون از پنبه آمدن و قی کردن
 موجب قطع نماز نیست و اگر خون اید اذانه نموده نماز را تمام نماید
 مادام که احتیاج بفعل منافی بهم نرسد و نماز باطل نمیشود هرگاه نزدیک
 باوره رود و شیخ طوسی میفرماید که اگر کسی قصد نماز کامل داشته
 باشد و بعد از آن سبک نماید باطل نیست نماز او و این قول نیکوست
 و مکرر هست حبس بول و غایب در وقتی که اراده نماز کردن دارد و نیز
 ضبط نمودن نفخ و خواب **اصول** در قبا باقی نمازهاست
 و درین چند میقتانست **اول** در نماز جمعه است و چون درین
 زمان پاره ها از مردم بنا بر اغراض فاسده قابل بعینت و خوب نماز
 جمعه کشته و جمعی از عوام را نایب خود ساخته اند تا نماز جمعه پس
 مناسب دیدیم که قبل از بیان کیفیت نماز جمعه ذکر کنیم اختلافی
 را که واقع است فیما بین علما در مشروعیت و حرمت نماز جمعه
 و بتقدیر مشروعیت در وجوب عینی و تجزی بودن آن نماز و ذکر
 نمائیم ادله طرفین را و آنچه بخاطر میرسد در ترجیح احدی طرفین بعد
 از نقل ادله ایشان و در بحث وارد بر اقوال ایشان بدانکه در **مشروعیت**
 و حرمت نماز جمعه در زمان غیبت امام علیها السلام خلافت
 که ایا مشروعست یا حرام و بر تقدیر مشروعیت ایا مکلفین و عباد
 در حین وجود مجتهد جامع شرایط مختار و مجزینند در ایتان **بما**
 جمعه و نماز ظهر یا آنکه نماز جمعه اکمل و درین است و افضل از ظهر است

نکته‌ای دارد که جالب است و ضمن آن به بیان انگیزه خاصی که به باور او پشت سر طرح و جوب عینی است می‌پردازد:

اول: در نماز جمعه است؛ و چون در این زمان، پاره‌ای از مردم بنا بر اغراض فاسده، قائل به عینیت و جوب نماز جمعه گشته و جمعی از عوام را تابع خود ساخته، انتشار تمامی داده، پس مناسب دیدم که قبل از بیان کیفیت نماز جمعه ذکر کنیم اختلافی را که واقع است فیما بین علما در مشروعیت و حرمت نماز جمعه، و به تقدیر مشروعیت در جوب عینی و تخییری بودن آن نماز، و ذکر نماییم ادله طرفین را و آنچه به خاطر می‌رسد، در ترجیح احد طرفین بعد از نقل ادله ایشان، و ردّ بحث وارد بر اقوال ایشان.

بحث استفاده از «عوام» درباره مسأله‌ای که به گفته وی انگیزه آن «اغراض فاسده» است، نکته لطیفی در یک بررسی فقهی است.

سیداحمد سپس به نظریاتی که در این باره هست اشاره کرده و گفته است:

اکثر علمای اسلام و فقهای کرام از علمای فرقه محقه این فرد را اختیار نموده‌اند که مجتهد مخیر است میانه ایتان به نماز جمعه و نماز ظهر، و به جوب عینی نماز جمعه قائل نشده‌اند که نماز جمعه متعین باشد به جوب، و نماز ظهر بدل آن جایز نباشد، مگر قلیلی از فقها.

در اینجا و در آغاز رد نظریه جوب عینی به رساله‌ای که منسوب است به شیخ زین‌الدین (رحمه الله) اشاره کرده و بسا با این تعبیر می‌خواهد در این نسبت تردید کند؛ امری که ظاهراً شدنی نیست، اما روشن است که این بخش از مسلک النجات را باید نقد آن رساله دانست. (مسلک النجات، فریم ۹۶) این نقد تا پایان این کتاب، یعنی تا فریم ۱۱۷ ادامه دارد، اما روشن است که از تصویر نسخه‌ای که در اختیار بنده بود، صفحات آخر افتاده و بسا ادامه دارد. به هر حال این را باید نقدی منسجم از سیداحمد علوی عاملی بر شهید ثانی دانست.

یادداشت‌های جالب یک عالم نظری از قرن یازدهم روی نسخه‌ای از خطبه‌البیان

یادداشت‌های روی نسخه‌ای زیبا و و احیاناً خوش خط مشتمل بر سه متن، موضوع این نوشته کوتاه است. نسخه تاریخ ندارد، اما فهرست نویس حدس زده است که این نسخه متعلق به قرن دهم باشد. ظاهر آن همین را یا اوایل قرن یازدهم هجری را نشان می‌دهد.

در آغاز این نسخه دو خطبه از خطب منسوب به امام علی (ع) آمده، یکی خطبه‌البیان و دیگری

خطبه تُنْجِیه؛ از متن های مورد علاقه غالیان و متمایل به آن. متن سوم کتاب اربعین مجموعه ای از احادیث با روایات سنی و از نظر ادب نگارش هم با تعابیری مثل «رضی الله عنه» و رجال معمول در روایات سنی آمده است.

اینکه چطور شده این سه متن این چنین در کنار هم آمده و حتی صفحات آغازین هریک تزئینی مانند هم دارد دشوار است. اگر با یکدیگر تفاوت داشت، می شد گفت کسی دو متن اول را به متن سوم، یعنی اربعین ضمیمه کرده و یک اثر در صحافی پدید آورده است، اما این شباهت نوع خط و تدوین و گرافیک کار را دشوار می کند. خط آنها هم یکی است و مؤید آنکه سه متن با هم نوشته شده است. نکته شگفت این است که چطور جامع این سه متن می توانسته خطبه البیان و تنجیه را که به احتمال از شیعیان غالی است، در کنار یک اربعین حدیث سنی آورده باشد؟ درباره این دو خطبه و انتساب آنها به امام علی (ع) مکرر بحث شده است.

هر چه هست، بنای اینجا بررسی این خطبه ها نیست. هدف مرور بر یادداشت های روی نسخه است؛ یادداشت هایی که از سال ۱۰۶۰ شروع شده و تا ۱۰۷۸ ادامه دارد. شماری هم عمداً پاک شده است.

این نسخه در اختیار چند نفر بوده که نشانه هایی از آنها روی نسخه است، اما غالب آنها از یک عالم نطنزی به نام ملک محمد بن جلال الدین نوروز نطنزی [و شاید برادر دیگرش ملک قاسم] بوده و پس از وی در اختیار فرزندش محمد علی قرار گرفته است. چنان که در یکی از یادداشت های روی نسخه آمده وی این نسخه را سال ۱۰۶۴ خریداری کرده است.

این محمد علی که از قضا تاریخ ولادتش روی همین نسخه توسط پدرش نوشته شده، (۱۰۶۰) در سال ۱۰۷۲ یادداشتی به خط خوش روی صفحه اول نسخه نوشته و آن را از کتب خود برشمرده است:

من کتب العبد الضعیف الحقیق المحتاج الی نعمة الله الغنی محمد علی بن ملک محمد بن جلال الدین نوروز نطنزی. حقیق الله آماله فی الدارین، یا علی ولی. ۲۰ رجب ۱۰۷۲. [یعنی فقط سیزده داشته!]

با توجه به خرید آن در سال ۱۰۶۴ باید این یادداشت بعداً نوشته شده باشد.

اما نام دیگر روی اولین صفحه که مربوط به مالک آن بوده بدین ترتیب معرفی شده است:

من کتب العبد الضعیف الفقیر المحتاج الی رحمة الله الغنی ابن محمد الحسن بن محمد علی بن علی ابی عبدالله احمد الرضی احسن الله حاله و حقیق اماله فی الدارین.

نام دیگریک بحرینی هم به عنوان مالک دیده می شود که تاریخ ندارد:

و دخل فی نوبتی الجانی محسن بن هاشم الحسینی البحرانی عفی عنهما بمنه و کرمه .

اطراف عنوان متن اول چندین یادداشت بوده که عمداً محوشده است . فقط یکی از آنها که چند تاریخ سفاست ، بدین شرح است : [اینها متعلق به همان عالم نطنزی است .]

به تاریخ ۱۰۷۸ مرتبه دیگر داخل نجف اشرف شد

و تاریخ ۱۰۸۰ ... روانه اصفهان شد

و تاریخ محرم ۱۰۸۳ بار [دیگر] داخل نجف است و در رمضان ... روانه اصفهان .

اما متن اول کتاب خطبة البیان است که از اول کتاب ، یعنی فریم ۶ تا ۳۱ ادامه دارد .

خطبه تطنجیه از فریم ۳۲ شروع شد . عنوان در یک مستطیل بالا و در دایره ای هم اشاره به این دارد که این خطبه به املائی امام علی است . روی آن درباره مالک این نسخه آمده است :

من جملة كتب العبد الاقل محتاج الى رحمة الملك الغنى محمد على بن ملك النطنزی
 حقق آمالهما فی الدارين و ضاعف حسناتهما فی النشأتین ... فی ۵ شهرذی حجة الحرام
 سنة الخامسة من السبعین بعد الف [۱۰۷۵] من الهجرة الطاهرة علی مهاجرها الف تحیه
 ... بحمد الله من نظری هذا و قرأ لکاتبه .

کسی متأخراً روی این نسخه نوشته است : سید کاظم رشتی دو جلد شرح بر خطبه تطنجیه نوشته و کسی به نام سلیمان خان آن را مرتب کرده است . متن خطبه دوم از فریم ۳۳ تا ۳۶ ادامه یافته است .

در پایان این متن مالک نسخه نوشته است :

من جمله كتب العبد الاقل محمد علی بن ملك النطنزی عفی عنهما .

روی همین فریم ۳۶ صفحه سمت چپ ، عنوان رساله اربعین آمده است . متن سوم در این مجموعه «کتاب الاربعین» معروف به سلوة قلوب المریدین فی فضایل ذکر رب العالمین از امام سعید مجد الملة و الدین شرف بن المویذ ولی الفتح ! است ؛ متنی شامل چهل حدیث است که مؤلف آنها را بدون ذکر اسناد آورده است . این متن سنی است و چهل حدیث با شماره و ترتیب درباره ذکر و یاد خداوند آمده و عنوان هر شماره با خط خوش مستعصمی نوشته شده است . امری که سبب شده کسی در جایی از آن حدس بزند که تمام این نسخه به خط یاقوت مستعصمی است ! یادداشتی روی صفحه عنوان «اربعین» می گوید که لایحقی ان هذین الخطین الشریفین فی هذه الاحادیث خط یاقوت بن عبدالله المستعصمی و لا شک فیہ کما ظهر من ... الکتاب .

روی صفحه عنوان با همان گرافیک دو متن دیگر را دارد. بالا در یک مستطیل نوشته شده است:

هذه احاديث كتاب الاربعة المعروف بسلوة قلوب المريدين في فضائل ذكر رب العالمين،
 كتبتة بلا اسانيد تخفيفا.

در دایره زیر آمده است:

الفه الامام السعيد مجد الملة والدين شرف بن المويد ولي! الفتح رحمة الله عليه رحمة
 واسعة.

اما مالک نسخه زیر آن نوشته است:

من كتب العبد الضعيف الاحقير المحتاج الى رحمة الله الغنى محمد على بن ملك
 محمد جلال الدين نوروز النطنزي حقق الله آماله في الدارين، يا على ولي! ۲۰ رجب ۱۰۷۲.

اربعین با یک مقدمه یک صفحه و نیم (هر صفحه شامل ده سطر) آغاز شده و توضیح مختصری
 درباره آن آمده و سپس با عنوان «الحديث الاول» با خطی بسیار زیبا آغاز شده است. حدیث اول
 عنوان فرعی «فی بیان أن خیر الاعمال المواظبة على ذكر الله عزوجل» است. آغاز رساله از فریم ۳۷ و
 در فریم ۵۵ تمام شده است.

در اطراف صفحه آخر رساله و نیز صفحه سفیدی که بعد از آن بوده، تعدادی یادداشت هست.

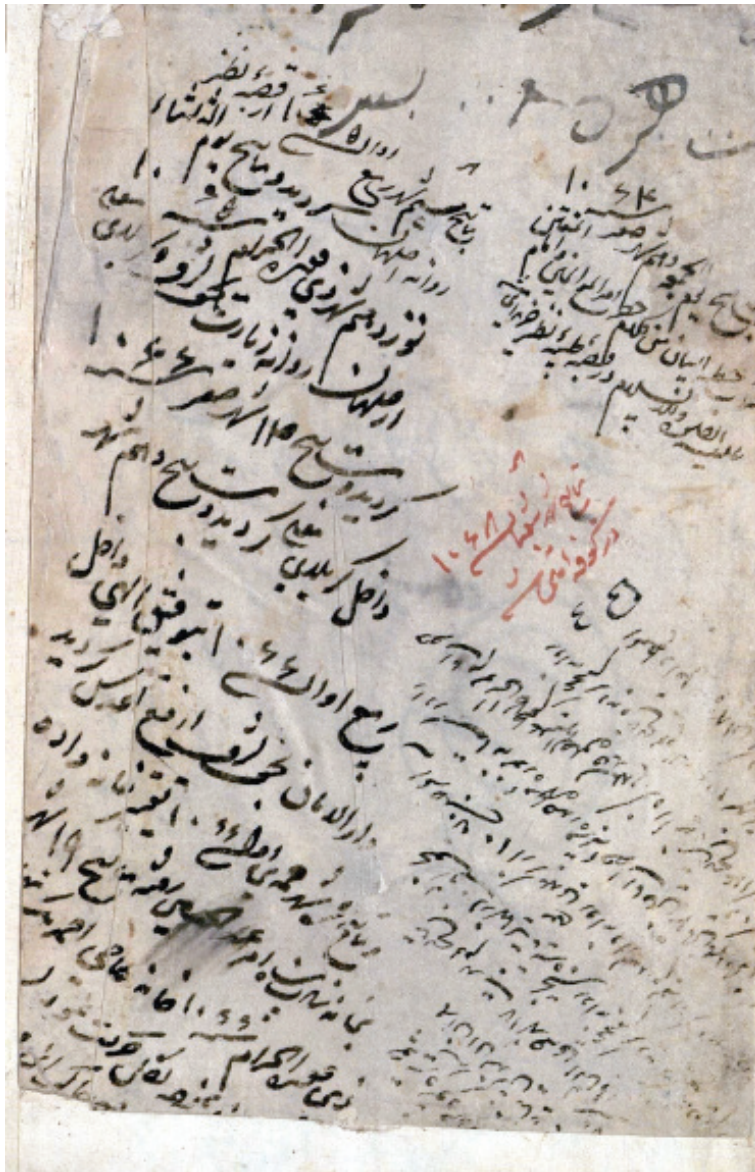
این یادداشت‌ها از ملک قاسم بن جلال الدین نطنزی است. آیا وی برادر ملک محمد است؟ قدری در
 خواندن آن به قاسم احتیاط هم لازم است. مطلب نوشته شده به این شرح است:

هو الفتح

مراد ما ز در خلق بر نمی آید	مگردری بگشاید مفتوح الابواب
هر کسی تدبیر کاری می کند	بارها کردیم با نعم الوکیل
ز شهرستان رحمت بی نصیبیم	غریبیم یا رسول الله غریبیم [غریبیم]

یا مفتوح فتح، یا مسبب سبب، یا مفرج فرج، یا مقدر قدر یا مسهل سهل، یا میسر یسر، یا مدبر دبر، یا
 متمم تمم، یا مکرم کرم، سهل بفضلک یا عزیز.

به تاریخ غره شهر رمضان المبارک ۱۰۶۵ در دارالسلطنه اصفهان قلمی شد. ان شاء الله بشف زيارت
 کربلاى معلی سرافراز گردیده، خاک فقیر... در همان خاک شریف نصیب گردیده و دعا مستجاب باد





بحق النبی و ولی بعد و انا الاقل ملک قاسم ابن جلال الدین [نوروز].

مولود فرزند ارجمند عاقبت بخیر محمد علی حفظه الله! به تاریخ غره شهر رجب المرجب ۱۰۶۰ در دارالسلطنه اصفهان، مقدمش مبارک است. موافق «غنی» [که می شود ماده تاریخ]

به تاریخ یوم الجمعه شهر صفر سنه ۱۰۶۴ کتاب خطبة البیان من کلام حضرت امیرالمومنین و امام المتقین علیه الصلاة والسلام در قصبه طیبه نطنز خریداری شد.

به تاریخ سیم شهر ربیع الاول از قصبه نطنز روانه اصفهان گردید. و بتاریخ یوم الثلاثاء نوزدهم شهر ذی قعدة الحرام سنه ۱۰۶۵ از اصفهان روانه زیارت نجف اشرف و کربلای معلی گردید، و به تاریخ دهم شهر ربیع الاول ۱۰۶۶ به توفیق الهی داخل دارالامان نجف اشرف ارفع اقدس گردید، و به تاریخ غره شهر جمادی الاولی ۱۰۶۶ تغییر خانه داده به خانه سیادت پناه امیر عبدالحسین رفته، و به تاریخ ۱۹ شهر ذی قعدة الحرام سنه ۱۰۶۶ خانه حاجی احمد ... حرکت نموده ... چوتیره شود مرد را روزگار / همه آن کند کش نیاید بکار [شعر فردوسی].

به تاریخ یوم السبت ۱۷ شهر جمادی الثانی ... نجف اشرف در نهایت تیره بختی روانه عجم کرده ... و بتاریخ دویم رجب المرجب ۱۰۷۰ از کربلای معلی روانه دارالسلام بغداد گردید ... در آستانه منوره مطهره صدره مرتبه حضرات امامین همامین ... حضرت امام موسی کاظم (علیه الصلاة والسلام) گذرانیده، بتاریخ ۱۴ ... روانه عجم گردیده و به تاریخ یوم ... شعبان المعظم داخل ... اصفهان! گردید. یک یادداشت متفاوت و با رنگ دیگر:

به تاریخ شهر شعبان ۱۰۶۸ در کوفه قلمی شد

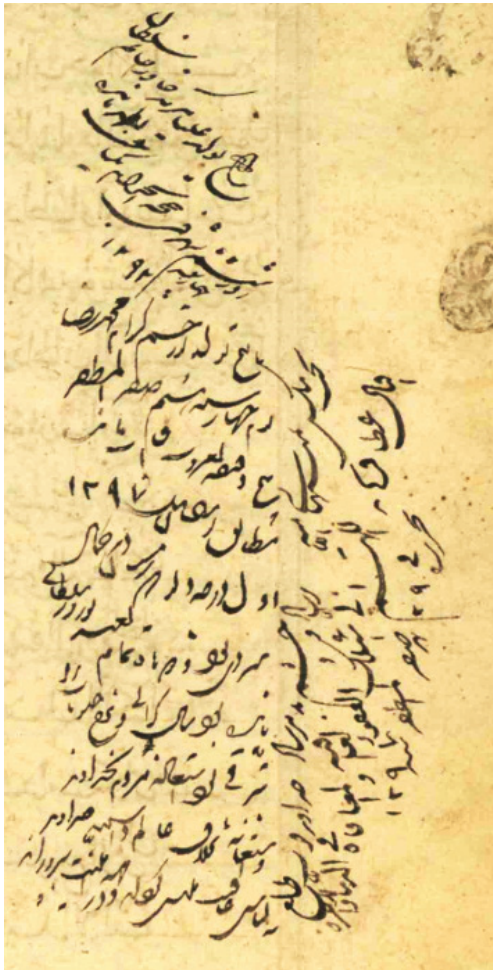
سال ۱۲۹۷، سال گرانی و ترقی حبوبات

تاریخ تولد علیا مکرمه خاور خانم سلطان روز چهارشنبه ششم شهر ذی حجة الحرام ۱۲۹۲ یک ساعت به ظهر مانده.

تاریخ تولد نور چشم کرام محمدرضا، یوم چهارشنبه هشتم صفر المظفر، پنج دقیقه به غروب آفتاب مانده، مطابق سیچان! ثیل ۱۲۹۷ اول درجه دلوکه زمستان در کمال سردی بود و دو ماه تمام به عید نوروز سلطانی مانده بود.

سال گرانی، و نرخ حبوبات را ترقی بود.

استعاده مردم به خداوند و استعانت به خلاق عالم. خداوند به لباس عافیت ملبس گرداند و در همه امنیت بپروراند.



بخت نیکش به منتهای امید
 برساند و چشم بد مرصاد
 خداوند قوت طالع اقبال عطا فرماید.

اللهم انى اسئلك العفو والعافية والمعافة فى الدنيا و
 الاخرة.

تحريره فى ۲۹ صفر المظفر سنه ۱۲۹۷

علمای یزد!

روی برگى از يك نسخه خطى نام شماری از علمای یزد
 با شرح حال کوتاه آمده است. شاید در بین آنها نکته
 تازه‌ای باشد. همه آنها همین است که اینجا آمده:

علمای یزد

ملا محمد باقر حکیم ریاضی: صیت
 فضله. اعرف من أن تعترف. ومن تصانيفه:
 عیون الحساب وهو... ولم یرفی الكتب
 الحسابیه مثله؛ وبعض اسباطه علیه شرح
 جید، و شرح خلاصة الحساب و حاشیه
 بر اصول اقلیدس، و حاشیه اکرمالاتاوس
 و اکرثاوذوسیوس، و رساله مطلع الانوار، و
 کتاب فتوحات غیبیه در براهین حساب
 اشار الیه فی العیون.

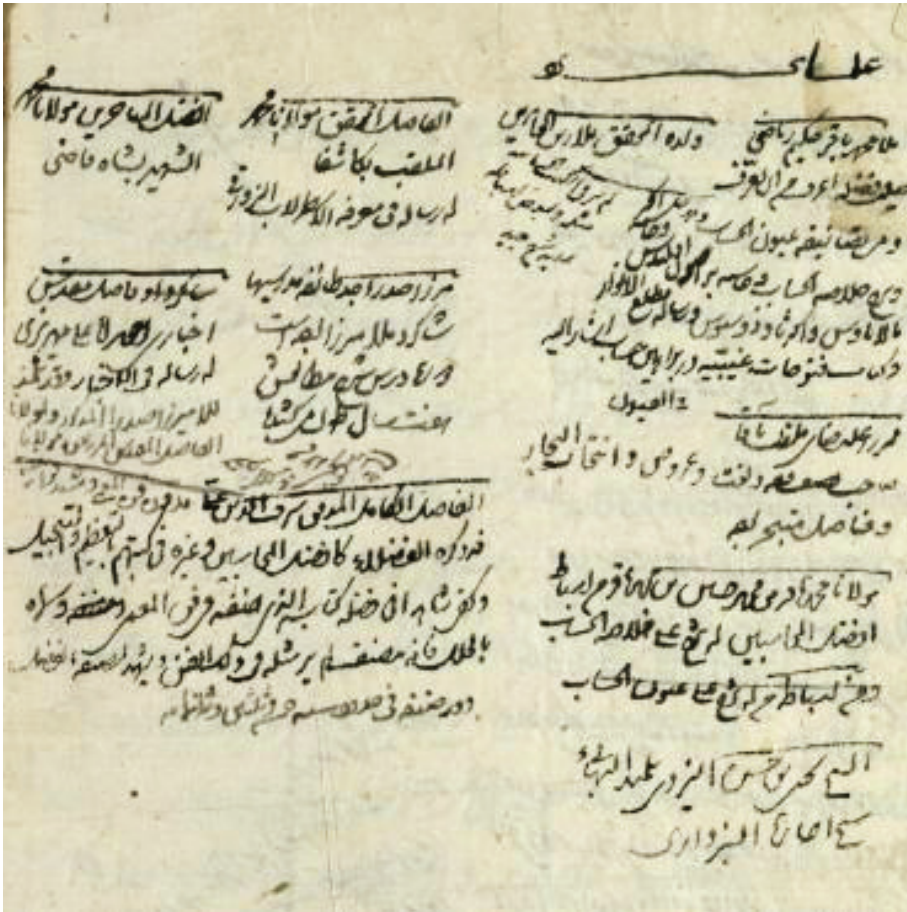
ولده المحقق ملازین العابدین

الفاضل المحقق مولانا محمد الملقب بكاشفا: له رسالة فى معرفة الاسطرلاب الزورقى

افضل المتأخرين مولانا محمد الشهير بشاه قاضى

میرزا صدرا جد طائفه مدرسها شاگرد ملا میرزا بوده است. دوره درس شرح مطالعش هفت
 سال طول می کشیده.

شاگرد او فاضل مقدس اخباری اعور آقا علی مهریزی، له رسالة فى الاخبار وقد تلمذ لأمیرزا صدرا
www.SID.ir



المذكور ولمولانا الفاضل المقدس المرتاض مولانا جعفر الكرباسي من تلامذة المجلسي

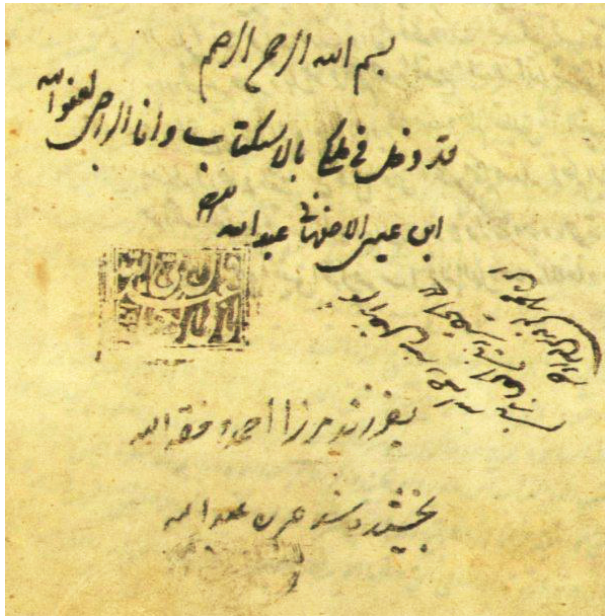
ميرزا علي رضاي ملقب به آقا

صاحب تصنيف فقه و لغت و عرض و انتخاب البحار. فاضل متبحر بوده

مولانا محمد باقر بن محمد حسين بن محمد باقر من اسباط افضل المحاسبين، له شرح على خلاصة الحساب، و من اسباطه من له شرح على عيون الحساب.

الشيخ محسن بن حسن اليزدي تلميذ البهائي شيخ اجازة السبزواري

الفاضل الكامل المدقق شرف الدين على مدوّن فن المعما و مشيّد قواعد. قد ذكره الفضلاء كافضل المحاسبين و غيره في كتبهم بالتعظيم و التبجيل و كفي شاهدا في فضله كتاب الذي صنفه في فن المعما و سماه بالحلل فانه مصنف لم يمثله في ذلك الفن و يشهد لمصنّفه بالفضل و قد صنفه في



حدود سنة خمسة و ثلاثين و ثمانمائة.

کتابی متعلق به میرزا عبدالله افندی با مهر او

یادداشت روی نسخه نشان می دهد که کتاب در ملکیت میرزا عبدالله افندی بوده و او با عنوان «ابن عیسی الاصفهانی، عبدالله» و مهر «قال انی عبدالله آتانی الکتاب» خود را معرفی کرده است. عبارت او این است: «قد دخل فی ملکى بالاستکتاب و انا الراجی لعفو الله ابن عیسی الاصفهانی، عبدالله». این یعنی اینکه او پولی به کسی داده است تا این کتاب را برای او استنساخ کند.

وی زیر نسخه نوشته است که کتاب را به فرزندش میرزا احمد بخشیده و نوشته است: «حرره عبدالله». کاش تاریخ گذاشته بود. این نسخه به شماره ۸۹۱۴ در دانشگاه تهران است.

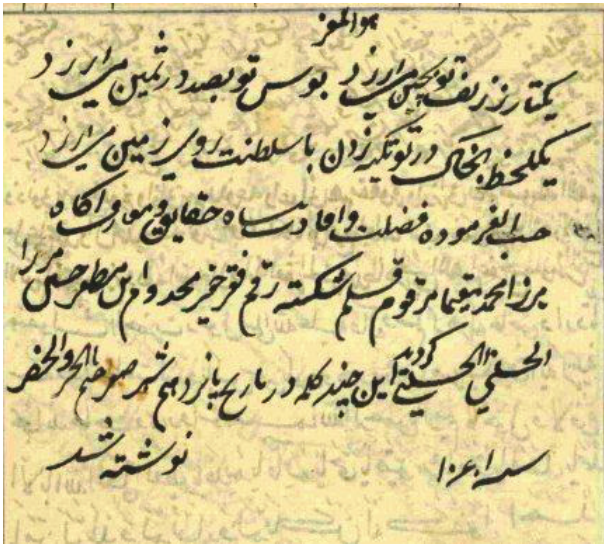
میرزا عبدالله افندی بزرگترین کتاب شناس و تراجم نگار عهد صفوی و از شاگردان برجسته ملامحمد باقر مجلسی است. افندی ریاض العلماء را نوشت و پیش از مرگ، نسخه اصلی کتاب را میان دو فرزندش تقسیم کرد. نیمه دوم این کتاب ماند، اما متأسفانه نیمه اول نماند. بخشی از این کتاب که شرح حال علمای اهل سنت است و بسیار سودمند، همچنان چاپ نشده است. بخش چاپ شده هم نیاز به ویرایش انتقادی و دقیق دارد و لازم است دوباره چاپ شود.

بندی از ملامحمد مقیما

هوالمعز

یک تارز موسوی توبه چین می ارزد بوس توبه صد در ثمین می ارزد
یک لحظه به خاک در توتکیه زدن با سلطنت روی زمین می ارزد
حسب الفرموده فضیلت و افادت پناه حقایق و معارف آگاه میرزا محمد مقیما مرقوم قلم
شکسته رقم فقیر حقیر مخدوم ابن مظفر حسین میرزا الحسنی الحسنی گردید.

این چند جمله در تاریخ پانزدهم شهر صفر ختم بالخیر و الظفر! سنه ۱۰۶۱ نوشته شد.



تاریخ دقیق درگذشت سمهودی

فایده: توفی المصنف لهذا التاريخ رحمه الله ضحی يوم الخميس، لليلة بقيت من ذی القعدة الحرام، عام احد عشر و تسعمائة بعد انقطاعه لمرض یومین لا غیر، و هما الثلاثاء و الاربعاء. يوم الثالث كانت وفاته، و قبره بالبقیع قبل الامام مالک رحمه الله و ايانا... و هكذا وجدته فی بعض نسخ التاريخ و الله اعلم.

تاریخ درگذشت سمهودی صاحب وفاء الوفاء در پایان نسخه ای از این اثر با تاریخ ۹۹۷.

وی پس از دو روز بیماری -روزهای سه شنبه و چهارشنبه- در روز سوم، ظهر پنجشنبه ۲۹ ذی قعدة سال ۹۱۱ درگذشت. قبر او در بقیع پیش از قبر مالک بن انس قرا دارد.

سمهودی کتاب های متعددی دارد. خود از سادات و شرفاست و معروف ترین کتابش وفاء الوفاء تاریخ مدینه و از منابع مهم تاریخ و جغرافیای این شهر است.

